

## خلاصه روزشمار کودتای خرداد ۶۰

۲۸ سال پیش، در خرداد ۱۳۶۰ استبداد شوم در ایران برضد رأی مردم کودتا کرد. از آنزمان تا بحال دو جبهه استبداد و آزادی رویاروی قرار گرفته‌اند. اکنون که رژیم استبدادیان غرقه در جنایات و فسادهای خویش است و به همت مقاومت جبهه آزادی افشا گردیده و اعتراضات عمومی مردم حاکی از عدم مشروعیت و اعتبار استبداد وطن فروش و دین باز حاکم در دل و چشم مردم ایران است، اکنون که جبهه آزادی به عملکرد خویش، سربلند و مفتخر است و به پیروزیهای درخشانی نائل آمده‌است، جا دارد، هر چند به اختصار، تاریخچه این رویارویی و مقاومت، استقامت و وفای به عهد ابوالحسن بنی‌صدر را گزارش کنیم. در این مختصر هر چند از پیامها، نقطه نظرها و کوششهای منتخب مردم ایران سخن بمیان می‌آید واضح است که هدف بیان مقاومت و وفاداری به اصول راهنمای انقلاب در يك شخص با مشخصات معین و نام معلوم نیست، بلکه سخن از يك رسم است و از بنی‌صدر به مثابه طرف اعتماد مردم و بعنوان مظهر اعتراض مردمی به استبداد و اراده استقامت ملتی در برابر استبداد، یاد می‌کنیم. این متن شامل دو قسمت است:

- ۱ - موقعیت ایران در روزهای قبل از کودتای خرداد ۱۳۶۰
- ۲ - بررسی کوتاه وقایع خرداد ماه ۶۰ و تشریح چگونگی اجرای کودتا

### ۱ - موقعیت ایران در روزهای قبل از کودتای خرداد ۱۳۶۰

مسیر انقلاب ایران که از آغاز با دخالت‌های خمینی و روحانیان قدرت طلب در امور حکومتی انحراف یافته بود، در خرداد سال ۶۰، چرخشی رادیکال کرد و جهتی کاملاً خلاف جهت سازگار با اصول راهنمای انقلاب و هدفی ضد هدف آن پیدا کرد. حزب جمهوری اسلامی، بعد از شکست فاحش در انتخابات ریاست جمهوری که در آن، حسن حبیبی کاندیدایش کمتر از ۴ درصد آراء را آورده بود، طرح کودتای خزنده را ریخته و به اجرا گذاشته بود. این حزب با اینکه رجایی را توسط خمینی بعنوان نخست وزیر بر کشور تحمیل کرده بود، روز بروز در جامعه منزوی‌تر می‌شد.

جنگ با عراق : عراق با کمک معنوی و مادی امریکا ، به منظور جلوگیری از پیروز شدن تجربه انقلاب، در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد. به قول مرحوم مهندس بازرگان با خونسردی و شجاعت فرمانده کل قوا ابوالحسن بنی‌صدر، ایران موفق شد نه تنها جلوی پیشروی ارتش عراق را بگیرد، بلکه حدود پنجاه درصد از سرزمینهای اشغالی را آزاد کند. ارتش ایران ارتشی که روز و شب سخن از انحلال آن میرفت، روحیه بسیار قوی پیدا کرده بود و بعد از مدتها نقش اصلی خود یعنی دفاع از تمامیت ارضی کشور را بعهده می‌گرفت و به خصلت و منش ملی، غرور پیدا می‌کرد. از طرف دیگر، با بدست آوردن موفقیت‌های نظامی، بنی‌صدر توانست صدام حسین را ، که در آغاز جنگ گمان می‌برد در عرض يك هفته ایران را خواهد گرفت، به صلحی توأم با پیروزی سیاسی ایران، ناگزیر کند. چهار کشور غیر متعهد طرح صلحی به ایران پیشنهاد کردند و ایران با تغییراتی در مورد عقب نشینی نیروهای عراق به پشت مرزهای بین المللی این طرح را پذیرفت. عراق نیز که می‌دید روی به ضعف دارد، طرح را قبول کرد . قرار بر این شد که در ۲۶ خرداد، هیأت جواب رسمی عراق را به ایران بیاورد.

« روسیه شوروی» افغانستان را اشغال کرده بود. دیوار برلین هنوز پابرجا بود و چپ سنتی ایران از اردوگاه سوسیالیسم دفاع میکرد. از سوی دیگر بعنوان مخالفت با کارتر در جریان مذاکرات بر سر گروگانها در جریانی که به اکتبر سورپرایز معروف شد، ریگان به لطف روحانی‌نمایان قدرت پرست، در امریکا به عنوان نماینده سیاستی تهاجمی به قدرت رسید.

وضعیت اقتصادی : با اینکه بعد از انقلاب سعی شده بود از میزان بودجه کشور کاسته شود، ترکیب آن تغییر کند، بخش تولید تقویت گردد، از اتکاء به نفت کاسته شود و قیمت نفت در بازار جهانی در سطح بالا نگاه داشته شود، حکومت رجایی به سیاست قبل از انقلاب بازگشت و بودجه‌ای تهیه کرد که بنابر آن، بر هزینه‌های دولتی اضافه می‌شد. ایران مجبور می‌شد میزان تولید نفت خود را بالا ببرد. بنی‌صدر مخالفت خود را با این بودجه اعلام و تقاضای بحث آزاد کرد. در این بحث معین‌فر و عزت الله سبحانی نیز همراه و هم رأی او بودند. اما این بحث هرگز

از تلویزیون پخش نشد. وضعیت تولید به علت مدیریتهای غلط و فرار بخشی از نیروهای کاردان و نبود امنیت و ... در بحران فرو رفت.

گروگانها و کابینه رجائی : ابوالحسن بنی صدر با گروگانگیری مخالف بود . ومیدانست حزب جمهوری اسلامی گروگانها را به عنوان وسیله ای برضد او بکار میبرد و در خفا، در کار سازش با آمریکا است. با قرارداد الجزایر که برخلاف منافع و مصالح ایران بسته شده بود، و حاصل سازش پنهانی بود، مخالفت کرد . بخصوص که قرارداد را با، اینکه يك متن بین المللی بود و طبق قانون اساسی، رئیس جمهوری یا نماینده او باید امضاء می کرد، بدون اطلاع او بسته بودند. علیرضا نوبری، رئیس بانک مرکزی، نیز نسبت به زیانهای قرار داد الجزایر، به رجایی هشدار داده بو. لذا، رجائی در پی تغییر رئیس بانک شد. از طرف دیگر بنی صدر حاضر نشد با چند تن از وزرای پیشنهادی رجائی، از جمله وزیر خارجه، موافقت کند و تا زمانی که در ایران بود، کابینه رجائی کامل نشد. در مطبوعات جهان، بنی صدر رئیس جمهور و رهبر اپوزیسیون خوانده می شد. رجائی و حزب جمهوری اسلامی در جامعه کاملاً منزوی شده بودند و نیاز داشتند خمینی خود وارد عمل شود و کودتا را رهبری کند.

موضع خمینی : تا خرداد ۶۰، خمینی نه تنها علنی و مستقیم علیه بنی صدر موضع نگرفته بود، بلکه در اردیبهشت ماه، در حضور سران ۸ کشور مسلمان، گفت: ریس جمهور ایران بر قلبها حکومت می کند. او هنوز امیدوار بود بنی صدر سازش پنهانی با بوش و ریگان را بپذیرد و با سران حزب جمهوری، در استقرار استبداد، همدست شود. با آنکه بنی صدر از تمایل شدید او به استبداد روحانیت آشکار بود، اما هنوز برتردید خود غلبه نکرده بود.

یاد آور میشود که خمینی سال ۱۳۶۰ را سال قانون نامیده بود. بنی صدر با کارهای خلاف قانون به جد مخالفت میکرد . او در میدان آزادی در روز عاشورا ۲۸ آبانماه ۱۳۵۹ در میان جمعیت میلیونی از جمله چنین گفت : در قانون اساسی ما مگر شکنجه حرام نشده است ممنوع نشده، در کجای دنیا در کدام دین و در کجای اسلام و کشور اسلامی و حکومت اسلامیش شش نوع زندان وجود دارد چرا اینها تعطیل نمی شوند؟ چرا باید هر کسی و هر نهادی یک زندان داشته باشد؟ اینها باید تعطیل شوند. جو اسلامی جو اعتماد است. اینهمه دستگاههای ترسناک و مخوف درست نکنید چرا هیئتی تشکیل نمی شود و به کار این زندانهای گوناگون نمی رسد. چرا در رژیم اسلامی انسان و جان او اینهمه بی منزلت شده است که بتوان مثل آب خوردن محکوم کرد و بدون اینکه کسی بفهمد کار او را تمام کرد. چه طور می شود که اشخاص را میگیرند زندان می برند و ماه ها جز فراموش شدگان می شوند؟ بس کنید این کارها را. دستگاه قضائی ما باید بیطرف باشد، مستقل باشد و نباید اجازه داد انواع و اقسام پیدا کند و ابزار قدرت سیاسی شود. اگر اینطور شد این همان است که حسین به خاطرش قیام کرد و شهید شد.

محبوبیت بنی صدر : سفرهای بنی صدر به مناطق مختلف کشور موجهای انسانی وسیع به طرفداری از مواضع او در دفاع از استقلال و آزادی را برمی انگیخت. او هر روز گزارش فعالیت های خود و نظراتش را پیرامون مسایل کشور، در روزنامه انقلاب اسلامی، تحت عنوان روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد؟، با مردم در میان می گذاشت. مطبوعات : هنوز در کشور آزادی مطبوعات کاملاً از بین نرفته بود. احزاب مختلف روزنامه های خود را داشتند و یا بطور زیرزمینی چاپ می کردند. با اینکه در اسفند ۵۹ و فروردین ۶۰، برای چند روز، روزنامه میزان متعلق به نهضت آزادی را بستند، اما با تلاش بنی صدر و دیگران این روزنامه آزاد شد. تیراژ روزنامه انقلاب اسلامی به مرز پانصد هزار رسیده بود و این در تاریخ مطبوعات ایران سابقه نداشت. جامعه در تب داغ بحث سیاسی بسر می برد. احزاب : دفاتر هماهنگی مردم با ریس جمهور که در شهرهای مختلف بطور خودجوش بوجود آمده بودند، محل مخالفت با استبداد روحانیت شده بودند . این دفاتر از مواضع سیاسی نظری بنی صدر حمایت می کردند. حزب توده و سازمان فدائیان اکثریت در کنار انجمن های اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از مواضع حزب جمهوری اسلامی، دفاع می کردند. بنی صدر را ناپلئون و پینوشه می خواندند. در سفرهای مختلف بنی صدر، به کمک بخشی از سپاه پاسداران علیه بنی صدر عمل می کردند. اما در میان امواج عظیم مردم محو می شدند. نهضت آزادی به رهبری مرحوم بازرگان، جاما به رهبری مرحوم سامی، جبهه ملی به رهبری مرحوم سنجابی، حزب ملت ایران به رهبری مرحوم فروهر، سازمان مجاهدین خلق، حزب رنجبران و شخصیت های مستقل در صف مخالفان استبداد روحانیت بودند. اما آزادیها روز بروز محدودتر می شدند و در شهرهای ایران تعداد زد و خوردها و درگیریها بالا گرفته بود. آزادیهای فردی نیز روز بروز محدودتر می شدند اما کاملاً از بین نرفته بودند. حجاب و رنگ لباسها را حکومت هنوز موفق نشده بود بر جامعه تحمیل کند. حکومت رجائی مردم ایران را به چند دسته تقسیم می کرد: مکتبی و ضد مکتبی و مسلمان غیر مکتبی و بی تفاوت!.

## ۲ - بررسی کوتاه وقایع خرداد ماه ۶۰ و تشریح چگونگی اجرای کودتا

- ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ - بنی‌صدر اعلام می‌کند: خطاب من به امام و مردم ایران است هر اندازه آزادی ضرر داشته باشد هزار يك استبداد ضرر ندارد. بدون آزادی، استقلال بدست نمی‌آید و بدون این دو اسلام بی‌محتوی است.
- ۲۵ اردیبهشت - بنی‌صدر پیشنهاد مراجعه به مردم و رفراندوم را میکند. او می‌گوید: اگر میزان رای مردم است، آیا حق دارم پیشنهاد کنم که این میزان اظهار بشود یا خیر؟
- ۲۹ اردیبهشت - نهضت آزادی به پیشنهاد بنی‌صدر در مورد تشکیل جلسات بحث آزاد لبیک گفت. اما نسبت به اداره بحث آزاد توسط رادیو و تلویزیون ابراز نگرانی کرد.
- ۱ خرداد - دکتر سنجابی، دبیرکل جبهه ملی، طی نامه‌ای به مهدوی کنی وزیر کشور، خواستار روشن شدن وضع فعالیت جبهه ملی شد. او خواستار آزاد شدن محل تشکیلات مرکزی جبهه ملی و روزنامه پیام جبهه ملی گشت.
- ۲ خرداد - بنی‌صدر، بدنبال اعلام جرم علیه رجایی و نبوی راجع به نقض اصول قانون اساسی و اختلاس از اموال ایران، در نامه‌ای به نمایندگان مجلس می‌نویسد: دولت حق حاکمیت ایران را مخدوش نموده‌است. چگونه دولت آقای رجایی بخود جرأت می‌دهد دم از قطع وابستگی و کوتاه کردن دست امپریالیسم بزند حال آنکه اجازه می‌دهد با قانونی متفاوت از قانون ایران در مورد دعوی حل و فصل نشده تصمیم‌گیری نماید؟
- در مجلس، طرحی مطرح شد که بنا بر آن، ریاست بانک مرکزی به پیشنهاد وزیر دارایی و تصویب نخست‌وزیر و تأیید صلاحیت بوسیله مجلس و حکم وزیر دارایی منصوب شود. علیرضا نوبری، از همکاران بنی‌صدر، مسئولیت بانک مرکزی را بعهدہ داشت.
- بهشتی، «رئیس دیوانعالی کشور» در مصاحبه‌ای اعلام کرد: بی‌شک باید در موقع خود، کسانی که شایعه شکنجه در زندانها را درست کرده‌اند، تحت تعقیب قضایی قرار گیرند.
- ۳ خرداد - دکتر بهزادنیاسرپرست هلال احمر استعفای خود را به رئیس جمهوری داد و نسبت به مصوبات مجلس و روش عمل دولت رجائی اعتراض کرد.
- اعضای دستگیر شده دفتر هماهنگی در تاریخ ۲۸ اسفند ۵۹ در ازنا بعنوان اعتراض به حکم غیابی دادگاه دست به اعتصاب غذا زدند.
- ۴ خرداد - روزنامه انقلاب اسلامی نامه علیرضا نوبری رئیس بانک مرکزی را که سه روز قبل از آزادی گروگانها به بهزاد نبوی نوشته و نسبت به عواقب سنگین بیانیه الجزایر هشدار داده بود، منتشر کرد.
- ۵ خرداد - نوبری در مصاحبه‌ای اعلام می‌کند: بصدای بلند اعلام می‌کنیم که اگر گناه ما ناهماهنگی با نوع جدید قرارداد وثوق الدوله است، ما بدین ناهماهنگی افتخار می‌کنیم. باید به صراحت گفت که باصطلاح بیانیه الجزایر به منافع اقتصادی این جمهوری لطمه شدیدی زده و حاکمیت ایران را مخدوش نموده‌است.
- محمد خامنه‌ای نماینده مجلس می‌گوید: من از رئیس جمهور می‌خواهم رفراندم را بصورت وسوسه‌هایی در دل مردم نیاندازد.
- ۵ خرداد - رفسنجانی رئیس مجلس اعلام می‌کند: دولت رجائی نسبت به اسلام و حاکمیت ملی وفادارترین دولت طول تاریخ ایران است.
- ۶ خرداد - خمینی بدون اسم بردن از پیشنهاد رفراندوم توسط بنی‌صدر در سخنرانی خود می‌گوید: آقای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی هست، اگر یک قدم آن ور بگذارد من با او مخالفت می‌کنم اگر همه ملت هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم.
- ۷ خرداد - بهشتی اعلام می‌کند: طرح مسئله رفراندم بمنظور تضعیف جمهوری اسلامی، تضعیف قانون اساسی، تضعیف مجلس و تضعیف دولت است.
- خمینی در يك سخنرانی، می‌گوید: مجلس بالاترین مقام است در این مملکت. مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن را پذیرفت، هیچکس حق ندارد يك کلمه راجع به این بگوید. من نمی‌گویم رأی خودش را نگوید، رأی خودش را بگوید، اما اگر بخواد فساد کند و به مردم بگوید که این شورا کذا و این مجلس کذا، این فساد است و مفسد است يك همچہ آدمی تحت تعقیب مفسد فی‌الارض باید قرار بگیرد.
- ۷ خرداد - مردم شیراز با فریاد بنی‌صدر مقاومت مقاومت از بنی‌صدر استقبال می‌کنند. بنی‌صدر در پاسخ به فریادهای «استقامت استقامت مردم» شیراز می‌گوید: مردم ایران پاسخ من به شعار «استقامت» شما اینست که من با تمام توان استقامت می‌کنم. پای حرفم می‌ایستم تا به نتیجه برسم. تا این شعارهایی که این ملت برای آن انقلاب کرد تحقق نیابد وظیفه من ادامه مبارزه است یقین دارم که شما هم با همین استقامت می‌ایستید چون استقامت من برای شماست و استقامت شما هم برای من.

و خطاب به رهبران حزب جمهوری اسلامی می‌گوید: مرا از محاکمه نترسانید، این محاکمه خود انقلابی در تاریخ ایران است.

۹ خرداد - احمد سلامتیان در مخالفت با لایحه بودجه اعلام می‌کند: این بودجه‌نویسی برای کشوری است که قصد مبارزه علیه قدرتهای اقتصادی و مالی جهانی را نداشته باشد.

۹ خرداد - حسین نواب صفوی، مشاور ریاست جمهوری در سیاست خارجی، در سرمقاله‌ای تحت عنوان ایستاده‌ایم، می‌نویسد: ایران اسلامی و انقلاب اسلامی در مقطعی تاریخی بسر می‌برند. سرنوشت ایندو با سرنوشت جنگ تعیین می‌شود. فرمانده کل قوا و رئیس جمهور دقیقاً به این حیث، نمی‌تواند در برابر خطراتی که این هر دو را تهدید می‌کند، سکوت اختیار کند. اما تقابل اجتماعی تقابلی که به جنگ داخلی منجر شود و لاجرم کار جنگ جنوب را به شکست بیانجامد، بهیچ‌رو توجیه نمی‌پذیرد. می‌ماند به اینکه راه حل چیست؟ راه حل از مدتها پیش تعیین شده‌است: رجوع به مردم. هیچکس برای تعیین تکلیف قطعی، خصوصاً در اینبار، محق‌تر از مردم نیست.

حسین نواب که در ۲۶ اسفند، سرمقاله دیگری، در باره روابط پنهانی بهشتی با آمریکائیا، نوشته بود، چندی بعد از کودتا، که گناهی جز نوشتن و بیان حقایق نداشت تحت شکنجه جلادان قرار گرفت و بدست دژخیمان شهید شد.

۹ خرداد - کارکنان شبکه دوم تلویزیون بمنظور اعتراض به عدم امنیت حرفه‌ای و عزل و نصبهای بدون ضابطه چند ساعت دست از کار می‌کشند.

۱۰ خرداد - بنی‌صدر اعلام می‌کند: جنگ که تمام شد برمی‌گردد همه مسائل را رسیدگی می‌کنم. از نظر من که مسنول امور جنگ هستم، حفظ آزادیهای اساسی مردم نه تنها صدمه‌ای به جنگ نمی‌زند بلکه کمک هم می‌کند. آیا این آزادیهای مردم حفظ می‌شوند؟ و در پاسخ در باره استعفای خودش گفت: درخت را اره می‌کنند خودش نمی‌افتد.

منوچهر مسعودی مشاور حقوقی بنی‌صدر دستگیر می‌شود. او را نیز چندی بعد از کودتا اعدام می‌کنند.  
۱۱ خرداد - چماقداران به محل دفتر هماهنگی در همدان حمله می‌کنند و با فریاد مرگ بر بنی‌صدر درود بر بهشتی قصد قتل احمد سلامتیان نمایند مردم اصفهان را می‌کنند.

۱۲ خرداد - سلامتیان در جلسه مجلس می‌گوید: به خدا قسم ذره ذره وجود من خواهد گفت مرگ بر استبداد. او بعد از خروج از مجلس دوباره تهدید به مرگ شد و پاسدار خامنه‌ای به او تیراندازی میکند.

۱۲ خرداد - دفتر ریاست جمهوری علیه معاون غیر قانونی وزارت خارجه اعلام جرم می‌کند.  
۱۴ خرداد - حزب جمهوری اسلامی قصد دارد بسیج بزرگی را برای تظاهرات ۱۵ خرداد فراهم کند. بنی‌صدر اعلام می‌کند که کج اندیشان درصددند با طرح شعارهای تحریک کننده عظمت این روز را خدشه‌دار کنند.

بنی‌صدر بارها نوشته بود که بنا بر قانون قاضی نمی‌تواند عضو حزب باشد و از آنجا که بهشتی «رئیس دیوانعالی کشور» عضو و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی است و در نصب او، قانون اساسی رعایت نشده‌است، مقامش غیر قانونی است. در ۱۴ خرداد، بهشتی در پاسخ می‌گوید: آقا اینها مال فرهنگ فرانسه و غرب است، بگذارید کنار، اینجا جمهوری اسلامی است.

۱۴ خرداد - محمد جعفری مدیر روزنامه انقلاب اسلامی که برای سخنرانی به یزد دعوت شده بود به دادسرای انقلاب اسلامی احضار می‌شود.

۱۵ خرداد - تلاش حزب جمهوری اسلامی در بسیج مردم برای شرکت در تظاهرات ۱۵ خرداد، به شکست می‌انجامد. مردم اقبال نکردند. شعارهای تظاهر کنندگان عبارت بود از: مرگ بر ضد ولایت فقیه، خمینی بت شکن بت جدید را بشکن، بت پاریس را بشکن، حالا که رهبرت مصدق شده رأی ما را پس بده. احمد خمینی پیام پدرش را در آخر تظاهرات می‌خواند.

بنی‌صدر به سیستان و بلوچستان سفر می‌کند. اریک رولو، روزنامه نگار روزنامه فرانسوی لوموند، در این سفر او را همراهی می‌کند. وقتی موج خود جوش مردم را دراستقبال بنی‌صدر، می‌بیند، می‌گوید: بعد از موضعگیریهای خمینی، تظاهرات مردم يك «پله بیسیت» - رفراندومی که در آن، اکثریت نزدیک به تمامی به سیاستی و کسی رأی موافق می‌دهند- برای بنی‌صدر است.

در این روز، بازرگان بیانیه‌ای صادر می‌کند و هشدار می‌دهد با این ترتیب رفتار با رئیس جمهوری، و داغ و درفش مذهبی مفسد فی‌الارض بمیان آوردن، کار بجائی خواهد رسید که پس فردا ببینیم، بعد از نیمه شب، دو نفر ۳ بدست، کنار بسترمان آمده و آخرین مایتعلق، یعنی زن حلالمان را با خود ببرند!

۱۶ خرداد - بنی‌صدر با خمینی ملاقات می‌کند. در این ملاقات صحبت از وضعیت جنگ است و خمینی در پایان دیدار برای موفقیت بنی‌صدر دعا می‌کند. وقتی او بر می‌خیزد اطاق را ترک بگوید، احمد خمینی، در حضور پدرش،

به بنی صدر می‌گوید: شما يك عیب دارید و آن اینست که ول کن ماجرا نیستید. هی می‌گویند اینها با آمریکا ساخته‌اند. بنی صدر در پاسخ می‌گوید: من حاضر با همکاری با کسانی که با آمریکا ساخته‌اند نیستم.  
۱۷ خرداد - بنی صدر به همدان مسافرت می‌کند. خمینی نطق تهدیدآمیزی می‌کند که کسی حق ندارد در باره مجلس و قوه قضائیه چیزی بگوید.

۱۸ خرداد - دادستانی انقلاب روزنامه انقلاب اسلامی و میزان و چند روزنامه دیگر را توقیف می‌کند.  
۱۸ خرداد - بنی صدر به کرمانشاه می‌رود. آخرین تماسهای خمینی و بنی صدر از طریق رضا پسندیده برادرزاده خمینی انجام می‌پذیرند. پسندیده پیام زیر را از طرف خمینی تلفنی برای بنی صدر می‌خواند:  
من همواره کوشیده‌ام شما را در مقام ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا که خود من به شما تفویض کرده‌ام، حفظ کنم. اما خود شما مانع اینکار می‌شوید. حالا هم می‌خواهم شما را حفظ کنم، بشرط اینکه اطرافیان خود را دور کنید. این روزنامه شما را بباد داد. گروه های فاسد را طرد کنید. شما باید دولت را قبول کنید، شورایی عالی قضائی را قبول کنید. مجلس و شورای نگهبان را قبول کنید.

بنی صدر در پاسخ نامه زیر را به خمینی می‌نویسد:

شما نمی‌خواهید قانون اساسی اجرا گردد. در مسائل اساسی کشور طرز عمل شما چنان است که کشور را با خطر نابودی مواجه کرده است. شما يك رئیس جمهوری ضعیف، يك دولت ناتوان، يك مجلس مطیع، يك دستگاه قضائی وسیله تهدید و نابودی مخالفان می‌خواهید. بخلاف گفته شما این حزب جمهوری است که دین و ملت و شما را بباد می‌دهد و شما رهبری ملتی را به ریاست حزب مشتی قدرت طلب فاسد فروخته‌اید. بسیار کوشیدم و هنوز نیز می‌کوشم رهبری این انقلاب صدمه نبیند اما شما خودکشی تدریجی کردید بیان انقلاب را از بین بردید. با برقراری سانسور کامل، حضور مردم را در صحنه سیاسی کشور غیر ممکن ساختید و اینک می‌خواهید نیمه جان آن را نیز بستانید. هنوز وقت باقی است، باید:

۱ - مجلسی جای این مجلس را بگیرد که انتخاباتش برآستی آزاد باشد و مردم در انتخاباتش شرکت کرده باشند و مجلس خود را نه مطیع و تحت الحمایه شما، بلکه زبان مردم و ترجمان خواسته‌های مردم بداند، مجلس قوی اینست.

۲ - دستگاه قضائی نیز باید قوی باشد. یعنی مستقل باشد. رئیس دیوان کشور و دادستان کل بر خلاف قانون اساسی نصب شده‌اند و سه تن اعضای شورایی عالی قضائی نیز بر خلاف همین قانون اساسی در آن عضویت پیدا کرده‌اند. باید شورای عالی قضائی بر وفق قانون تشکیل گردد.

۳ - نیمی از شورای نگهبان را که بعد از این وقایع و بخصوص چگونگی نظارتش بر انتخابات میان دوره‌ای معلوم شد چه وزن و اعتباری دارد دو مقام غیر قانونی برکزیده اند و بنابراین آلت دست آقای بهشتی و گروه او هستند و این شوری نیز باید موافق قانون از نو تشکیل شود.

۴ - دولت آقای رجایی نیز هم فاقد صلاحیت است. هم از جانب شما تحمیل شده است و هم مورد تایید مجلس غیر قانونی است. هم در گروگانگیری بکشور خیانت کرده و تسلیم شیطان بزرگ شده است و باید برود.

۵ - ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا مقامهایی بودند بری دفاع از منزلت مردمی که قرن‌ها و قرن‌ها از هر گونه منزلتی محروم بوده اند. قانون هیچ‌گاه در این کشور به اجرا در نیامده است. گمان می‌رفت با قبول ریاست جمهوری بتوانم در برابر خطرهای بیشمار، مردم را با اجرای قانون در صحنه نگاهدارم و مردم از استقلال خویش دفاع کنند. خود با کار و تلاش بر بحرانهای اقتصادی و غیر آن غلبه کنند. آزاد باشند. مطمئن باشند. امید داشته باشند و خودجوش به تلاشی بزرگ برای تغییر مسیر تاریخ برخیزند. اینک که دادستان انقلاب تهران بر خلاف قانون مطبوعات، روزنامه هارا توقیف کرده است و دیگر از آزادی اثری نمانده است. اینک که بدنبال تسلیم خفت بار در مساله گروگانگیری بودجه‌ای باب طبع سلطه‌گران آمریکائی به مجلس می‌برند، با انگلیس و آمریکا قراردادهایی امضا می‌کنند که جز مسابقه برای جلب نظر مساعد شیطان بزرگ و کوچک عنوانی بدان نمی‌توان داد، ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا دیگر به چه کار من می‌آید؟ از ابتدا گفته‌ام این مقام‌ها را برای حداکثر تلاش بخاطر نجات کشور و انقلاب می‌پذیرم و هنوز نیز باید تکرار کنم که مرا بدانها دلبستگی نیست.

۱۸ خرداد - بنی صدر از کرمانشاه به بازدید جبهه ایلام می‌رود. مردم ایلام به گمان آنکه بنی صدر به شهر آنها می‌رود، به استقبال، بیرون می‌آیند. گروهی از پاسداران را در لباس شخصی می‌بینند که سوار بر مینی بوس بشهر باز می‌گشته‌اند. چون مطلع می‌شوند که رفته بوده‌اند برضد بنی صدر، در مراسم شهیدان جنگ شعار بدهند، آنها را بباد کتک می‌گیرند.

۱۸ خرداد - يك شماره از روزنامه انقلاب اسلامی بطور مخفیانه در ایران با تیراژ بالا چاپ شد.

۱۹ خرداد - خمینی بنی صدر را از فرماندهی کل قوا برکنار می‌کند.

خمینی به پسندیده اعلام می‌کند که دیگر نامه‌های بنی‌صدر را نمی‌خواند.

۲۰ خرداد - محمد جعفری مدیر روزنامه انقلاب اسلامی پرتیراژترین روزنامه دستگیر شد.

۲۰ خرداد - بنی‌صدر به تهران باز میگردد و مورد استقبال ارتشی‌ها قرار می‌گیرد.

۲۱ خرداد - رفسنجانی به لاهوتی که از بستگانش بود پیام می‌دهد که خودت را از بنی‌صدر دور کن زیرا پرونده‌اش سنگین است و کارش تا تمام است. لاهوتی از نادر روحانیون قعال در صحنه سیاست بود که با استبداد روحانیت مخالف بود.

۲۲ خرداد - آخرین روزی بود که بنی‌صدر در دفتر ریاست جمهوری قرار داشت از آنجا در پیامی به ملت ایران می‌نویسد، که در آن آمده است از جمله نوشته بود: ... روزی محکومی در پای چوبه دار گفت ای آزادی چه جنایتها که به نام تو انجام میدهند. و از امروز خواهم گفت ای اسلام چه جنایتها که به نام تو نمیکند. چنان دین را از اعتبار خواهند انداخت تا به نام دین تا یک قرن کسی نتواند حرفی بزند و دعوتی به حق کند. .... اگر کودتای خرنده را اجرا کنند امور زیر واقع خواهند شد:

جنگ تحمیلی در صورت طولانی شدن به فرسودگی کامل نیروهای ایران و عراق می‌انجامد و در خاورمیانه زمینه اجرای برنامه آمریکا فراهم می‌گردد و همانطوریکه در جریان گروگانگیری ملاحظه کردید ناچار به شرایط ننگینی تن خواهند داد و خواهند گفت چاره نداشتیم جز اینکه به شرایط تسلیم شدیم. بشما مردم می‌گویم، اگر امروز که هنوز وقت باقی است نایستادید و استبداد را که هنوز قوام نگرفته دفع شر نکنید، استبداد با سلطه خارجی پیوند قطعی پیدا خواهد کرد و همه آنچه را که گفتم و بدتر از آن بر شما خواهند کرد.....

۲۵ خرداد - خمینی در سخنرانی خود اعلام می‌کند: اگر سی و پنج میلیون نفر بگویند بله من می‌گویم نه... آن روز مسلح نداشتیم موفق شدیم حالا مسلح نیز داریم! ...جبهه ملی مرتد است. ...من حالا هم توبه را قبول می‌کنم. اسلام توبه را قبول می‌کند. نهضت آزادی از رادیو اعلام کند این اطلاعیه جبهه ملی کفر آمیز است... و آن آقا هم بروند از ملت عذرخواهی کند.

ساعتی بعد از پخش سخنان خمینی. از طریق رادیو، نهضت آزادی تبری جست و اعلام کرد در میتینگ جبهه ملی شرکت ندارد.

۲۵ خرداد - تظاهرات جبهه ملی به حمایت از رئیس جمهور و دفاع از آزادیها، بر اثر تهدید چماقداران و پاسداران مسلح، در میدان فردوسی، برگزار نمی‌شود.

۲۵ خرداد - بنی‌صدر به مخفیگاه می‌رود. از آنجا برای خمینی نامه‌ای می‌فرستد و او را دعوت به رعایت قانون می‌کند.

۲۵ خرداد - يك شماره از روزنامه انقلاب اسلامی بطور مخفیانه در ایران با تیراژ بالا چاپ و پخش می‌شود.

۲۶ خرداد - بنی‌صدر در پیامی به ارتشیان متذکر می‌شود که وظیفه‌شان دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران است.

۲۶ خرداد - سازمان مجاهدین خلق اطلاعیه زیر را صادر می‌کند:

هموطنان مبارز، مردم قهرمان تهران، مقدمه چینی‌ها و صحنه‌سازی‌های رسوا و مفتضحانه را شب گذشته در تلویزیون با شعار «مرگ بر بنی‌صدر» ترتیب داده بودند، دیدید. ظاهراً سینه‌چاکان ریایی و انحصارطلب «قانون» آنقدر در بثمر رساندن کودتای ارتجاعی امپریالیستی شتاب زده‌اند که بی‌محابا «اعدام و مرگ» رئیس جمهور قانونی را سر لوحه دستگاههای خبری و ارتباط جمعی خود ساخته‌اند. بنابراین جان رئیس جمهور علی‌القاعده در خطر جدی است و فرد فرد شما از جانب تمامی مردم ایران در دفاع از آزادیها و مقاومت در برابر دیکتاتوری و اختناق سیاه وظیفه دارید تا برای نجات جان دکتر بنی‌صدر هر لحظه هوشیار و آماده باشید.

۲۷ خرداد - آئین نامه بررسی عدم کفایت رئیس جمهوری در مجلس بتصویب می‌رسد. در این جلسه، احمد غضنفرپور پیام ۲۲ خرداد بنی‌صدر را به مردم ایران، می‌خواند. مهندس معین فر خطابه بس شجاعانه خویش را در مخالفت با طرح عزل رئیس جمهوری و کودتا، ایراد می‌کند.

۲۹ خرداد - بنی‌صدر در پیامی به مردم اعلام می‌دارد: همه ابزار علیه رئیس جمهور است و این مبارزه با انقلاب است... آنها که این کارها را می‌کنند نمی‌دانند که جامعه ایران جامعه جوان است و جامعه جوان به رشد احتیاج دارد... بهرحال نسل جوان نباید خود را به یاس وادارد، چه من باشم، چه نباشم ایران اگر بخواد مستقل و آزاد زندگی کند باید با اسلام رشد، اسلام محبت، اسلام کار و تلاش و ابداع زندگی کند من کوشیده‌ام شاخص این اسلام باشم.

۳۰ خرداد - تظاهراتی که طی آن چند صد هزار نفر به دفاع از رئیس جمهوری شرکت کرده بودند، توسط حکومت سرکوب می‌شود، عده‌ای کشته و عده زیادی دستگیر می‌شوند. از جمله عذرا حسینی همسر بنی‌صدر به همراه عده‌ای دیگر دستگیر می‌شوند. سازمان مجاهدین از ظهر این روز با بالا بردن عکسهای رجوی و تغییر شعار و توسل به

قهر، موجب پراکنده شدن مردم و ادامه نیافتن حرکت اعتراضی عموم مردم می‌شود. در مجلس افراد حزب جمهوری اسلامی تا ظهر، بیکدیگر تسلیت و بعد از ظهر، تبریک می‌گفته‌اند.

۳۱ خرداد - برای اینکه کودتا شکل قانونی بخود بگیرد، بهشتی از نو، بدنبال رأی قضات دیوان عالی کشور برای محاکمه بنی‌صدر می‌شود. اما تمامی قضات، باتفاق، رأی منفی می‌دهند، بدین ترتیب کار کودتا تنها برعهده مجلس قرار می‌گیرد. مجلس در سی و یک خرداد به اینکار می‌پردازد. گروه نهضت آزادی و دیگر مخالفان استبداد، در این روز به مجلس نمی‌آیند. خمینی از بنی‌صدر خواسته بود که بیاید و توبه کند.

یک تیر ۱۳۶۰ - پس از رأی مجلس، خمینی عزل بنی‌صدر را امضاء می‌کند.

منتخب مردم ایران با اعتقاد به قاعده هجرت، به مثابه روش بایسته برای دفاع از آزادی و استقلال و افشای سازشهای پنهانی، به قصد فراهم آوردن زمینه حضور در صحنه ایران و استقرار قطعی مردم سالاری در ایران، با مهاجرت موافقت می‌کند و بهنگام خروج از ایران، اعلام می‌کند: «ما می‌رویم تا بمانیم و اینان - رژیم - می‌مانند تا بروند»

تجربه انقلاب و استقرار استبداد از سوی نهادها و دستجاتی که بر جامعه شناخته نبودند، به وفاداران به انقلاب ثابت کرده بود که مشکل اساسی ایران مشکل ناشناخته‌ها هستند. لذا، پی‌گرفتن تجربه، ضرور می‌ساخت فرصت حضور در خارج از کشور مغتنم شمرده‌شود تا مگر آن بخش از نیروها و گروهها، که در اصول استبداد و وابستگی و روش کار، با رژیم حاکم اختلاف ندارند، هدف مشترکشان رسیدن به قدرت است و تنهابرسر قدرت با یکدیگر نزاع می‌کنند، به یک رشته آزمایشها و ابتلانات، یعنی تنها در چارچوب مبارزه‌ای سیاسی که می‌بایستی در پرتو اصول و محکها و ضوابط مشخص و روشنی انجام گیرد، به جامعه شناسانده شوند. لذا، منتخب مردم، در آخرین فرصتهای حضور در ایران، با تنظیم میثاق شورای ملی مقاومت که بر اساس اصول راهنمای انقلاب ایران، یعنی آزادی، استقلال، رشد و عدم هژمونی بر پایه همکاری و هموزنی، از کلیه گروهها و سازمانها و افرادی که خود را به آن اصول متعهد و پایبند می‌دانستند، دعوت بعمل آورد که جبهه متحد مقاومتی علیه استبداد حاکم برپاسازند. پس از تشکیل شورای ملی مقاومت، رهبری سازمان مجاهدین خلق که در کوران جنبش اجتماعی در داخل کشور بوجود آمده و جوانان غیور و آرمانخواه میهن بدان اقبال می‌کردند، با اصل قرار دادن قدرت، از همان آغاز، و نقض آشکار اصول میثاق خصوصاً استقلال به کژراه عراق رفت در این کژراه، به سرسپردگی و جیره‌خواری صدام گرفتار آمد و در بند پندار و روشهای توتالیتیر، به سقوط وحشتناک کشانده شد. به پاس پایداری کلیه وفاداران به اصول راهنمای انقلاب، اکنون آینده ایران از خطر ناشناخته‌ها در امان است.

در ۲۲ تیرماه ۶۰، مدتی بعد از کودتا، بنی‌صدر که از ۱۰ تیر در مخفیگاه مجاهدین خلق بسر می‌برد و گیلانی «قاضی دادگاه انقلاب» او را هفت بار محکوم به اعدام می‌شمرد، در نوشته‌ای که در آغاز وصیتنامه او، خطاب به همسرش بود و بعد کتاب خیانت به امید شد، به همسرش می‌نویسد:

حسین (ع) آزاده ترین آزادگان، رو در روی یزید ایستاد. مردم آن زمان و تاریخ دچار سردرگمی نشدند. یزید ستم و حسین عدل بودند. میان مصدق و شاه، باز داوری بسیار آسان بود. همه حق رابه مصدق دادند. تاریخ نیز چنین کرد. اما میان بنی‌صدر و خمینی تشخیص حق آسان نیست. اگر فرض کنیم با کارهایی که بدستور او انجام می‌گیرند و قرائن حکایت می‌کنند که ادامه می‌یابند و گسترش می‌پذیرند، با اعدام‌های نوجوانان پسر و دختر، با کشتارها، با صحنه‌های تلویزیونی که در شخصیت کشی، روشهای رژیم شاه را کهنه کرده‌اند، با فقر و فلج اقتصادی، با جنگ و بدتر از همه توهین بملت و رای او و ویران کردن معنویت انقلاب او، تشخیص آسان می‌شود، تصدیق نمی‌کنی که تاریخ مرا مظلوم‌تر خواهد یافت؟ قضاوت تاریخ هر چه باشد، در این لحظات نسبت به سرنوشت خویش احساس تلخ ندارم. دلم شاد است. پر از شادی است چرا که از عقیده جدا نشدم و بخاطر دفاع از استقلال و آزادی و اسلام، اسلام رشد، اسلام محبت، اسلام آزادی، اسلام دفاع از حق محرومان، اسلام امید، اسلام ضد زور، اسلام ضد اسلام ارسطو زده که بر استبداد فقیه بنا گرفت و همه خشونت و جنایت از آب درآمد. بخاطر این اسلام، این آزادی همه جانبه، با تمام توان کوشیده‌ام و همه خطرها را پذیرفتم.

اکنون، از زمانی که بنی‌صدر این سطور را در مخفی گاه می‌نوشت، حدود ۲۵ سال می‌گذرد. به جرأت می‌توان گفت تاریخ، حداقل تا این لحظه، قضاوت خود را در باره او و همه وفاداران به مرام استقلال و آزادی کرده‌است. بنی‌صدر در این سالها نشان داد که او مرد استقامت، عقیده، وفا، کار و تلاش است. باشد که به همراه همه افراد،

گروهها و نیروهائی که در پی استقرار مردم سالاری هستند، در ایران و با مردم ایران، آزادی را جانشین استبداد کنند. پیروز و مفتخر به وطن آزاد و مستقل بازگردند.